

شاخص‌های دانشگاه اسلامی



حامد مصطفوی فرد
کارشناس ارشد دانشگاه
تربیت مدرس

Hamed_amf@yahoo.com

مقوله دانشگاه اسلامی امری ضروری است. دانشگاهی که علاوه بر التزام به ظواهر اسلامی، در باطن و کارکرد آن نیز، بینش و منتس اسلامی را شاهد باشیم و نگرش به قضایا یک نگرش الهی باشد.

موانع دانشگاه اسلامی به علت وجود سه شاخصه مهم در علوم دانشگاهی، که عمدتاً علوم وارداتی از غرب هستند، رسیدن به دانشگاه اسلامی دشوار می‌نماید؛ اول اینکه، در این فضا علم را امری عینی می‌دانند و تفکرات پوزیتیویستی بر اندیشه‌ها حاکم است. از این رو،

مدیریت و ... شاهدیم. جامعه اسلامی ایران برای حفظ عرصه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی نسبت به هویت گذشته خویش، در مقابل تهاجم فرهنگی و اجتماعی بیگانگان، باید براساس فرهنگ اسلامی به تولید علم و دانش بپردازد؛ چرا که هویت یک جامعه، منوط به دانش و فرهنگ تولیدی آن است و جامعه مستقل، نیازمند دانش مستقل است و حفظ هویت و ارزش‌های یک جامعه باید به دور از وابستگی‌های فکری و علمی و در گرو تولید دانش بومی و خودی باشد. برای دستیابی به این مهم بها دادن به

پیش درآمد فضای دانشگاه‌های ما متأسفانه به گونه‌ای است که تحجر در قالب تجدید رخ نمایانده است. تحجر جدید همان تجدد است که راه اجتهاد را سد کرده است. کار را بدانجا رسانده است که تفکر انتقادی و اجتهاد در برابر غرب، کاری بس خطرناک می‌باشد. منازعه بین متفکران مسلمان و مترجمان متجدد و فقدان روحیه اجتهاد و وحی مُنزَل پنداشتن علم غربی را در بسیاری از رشته‌ها، به خصوص رشته‌های علوم انسانی تجربی از جمله علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد،

دانشگاه موفق،
دانشگاهی است که
جامعه انسانی را
به خوبی در مسیر
توحید قرار داده و
او را به سوی قرب
الهی، که فلسفه
اصلی خلقت است،
هدایت کند.



در دانشگاه اسلامی
باید شعائر و ظواهر
اسلامی رعایت
شود. اگر کسی وارد

این دانشگاه شود
و با سنن و شعائر
اسلامی آشنایی
داشته باشد، آن را
اسلامی تشخیص
دهد

وجود نمازخانه در دانشگاه، نصب پارچه‌نوشته برای تبریک اعیاد و یا تسلیت‌گویی شهادت کفایت نمی‌کند. اکتفا به اینگونه کارها جزء مصادیق تعظیم شعائر الله نیست، بلکه باید علاوه بر اینکه نماز به جماعت برگزار شود و صدای اذان در دانشگاه طنین‌انداز شود، در اعیاد و یا شهادت مراسم برگزار شود، نمایشگاه برپا شود و ... ، روح دین‌داری و دین‌باوری بر رفتار و مناسبات دانشگاه و دانشگاهی حاکم باشد.

۲. روابط اجتماعی
دین اسلام در حوزه اجتماعی به دنبال پی‌ریزی جامعه‌ای است که در آن اصول انسانی و ارزش‌های معنوی حاکم باشد. این ارزش‌ها و اصول در روابط اجتماعی افراد، از خانواده تا سطوح کلان جامعه، تبلور پیدا کند. در حیات اجتماعی، اخلاق یک رکن است. رفتارهای اجتماعی باید بر اساس اخلاق بنا شوند. حقوق فقط حد و مرزها را مشخص می‌کند تا به حریم خصوصی کسی تجاوز نشود. بنابراین، جامعه‌ای آرمانی مد نظر اسلام، جامعه‌ای اخلاق‌محور است که جامعه‌ای حداکثری است. نه فقط قانون محور که به حداقل‌ها نگاه می‌کند اگرچه گلهی همان دیده نمی‌شود.

۳. حریم روابط زن و مرد
در اسلام، تعامل مردان و زنان، به خودی خود حرام نیست، بلکه اگر هدف از رابطه میان آن دو، هدفی متعالی از قبیل دانش‌آموزی باشد، جایز و مطلوب است. البته جواز رابطه، به این معنی نیست که حدود و مرزهای میان

در گرو بها دادن به علم و اندیشه در حوزه‌های مختلف آن و در یک کلام، تحقق یک نهضت و خیزش عمومی در راستای تولید علم دینی است.

معیارهای دانشگاه اسلامی
دانشگاه موفق، دانشگاهی است که جامعه انسانی را به خوبی در مسیر توحید قرار داده و او را به سوی قرب الهی، که فلسفه اصلی خلقت است، هدایت کند. دانشگاه اسلامی باید در سه مؤلفه ظاهر، باطن و کارکرد (خروجی) خود را نشان دهد. بنابراین، در دانشگاه اسلامی باید اولاً، فضای حاکم بر آن فضای اسلامی باشد، ثانیاً، اهداف، آرمان‌ها و سیاست‌های کلی آن از اسلام گرفته شده باشد و ثالثاً، عهده‌دار تحقق اهداف و سیاست‌ها و آرمان‌ها باشد و فارغ‌التحصیلان و تولیدات علمی آن اسلامی یا در خدمت اهداف اسلام باشند.

الف) بعد ظاهری
در بعد ظاهری دانشگاه سه مؤلفه نقشی اساسی را ایفا می‌کنند، که دو مؤلفه آن با توجه به تعاملات فرد در اجتماع معنا پیدا می‌کند:

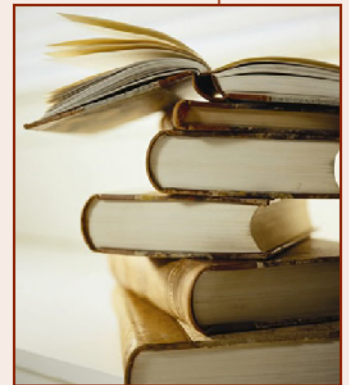
۱. تعظیم شعائر الله
در دانشگاه اسلامی باید شعائر و ظواهر اسلامی رعایت شود. اگر کسی وارد این دانشگاه شود و با سنن و شعائر اسلامی آشنایی داشته باشد، آن را اسلامی تشخیص دهد و بلکه باید شعائر الهی به حکم آیه «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/ ۳۲)، با عظمت یاد شوند. صرف

شناخت علمی را از آن جهت که از لحاظ عینی به اثبات رسیده است، قابل اعتماد می‌دانند. با این تلقی، بسیاری از گزاره‌هایی که آزمون‌پذیر نیستند، علمی نخواهند بود و چون غرب، مدعی علوم تجربی است، خود در قله علم قرار می‌گیرد و کشورهای دیگر ناگزیر خواهند بود برای توسعه علمی خود، به آنان رجوع کنند.

دوم اینکه، علم جدید از هدف اصیل خود، که شناخت آثار صنع خداوندی است، فاصله گرفته است و به دنبال سلطه بر هستی و نه شناخت آن می‌باشد. ثمره این رویکرد این است که این علم، به جای اینکه آرامش را برای بشر به ارمغان آورد، تا بدانجا پیش رفته که قرن اخیر را عصر اضطراب نامیده‌اند.

سوم، در هم‌تنیدگی علم و سیاست در عصر حاضر است. بسیاری از نظریات ظاهراً علمی نه از این جهت که علمی هستند، بلکه از این جهت که حاکمیت جهان به دنبال ترویج است، علمی تلقی می‌شوند و بر سر دیدگاه‌های مقابل این نظریات، پتک غیرعلمی بودن کوبیده می‌شود. این سیاست‌زدگی علم، بر بدبینی ما نسبت به این تئوری‌ها می‌افزاید و ضرورت رویکردی نقادانه را دوچندان می‌کند.

بدیهی است نجات از این وضعیت به گونه‌ای که ملل اسلامی بتوانند در پیشرفت جهان علم و اندیشه، دخیل بوده و نقش مفیدی داشته باشند و بلکه بسان دوران شکوفایی تمدن اسلامی، دیگران را سرفره‌نشین علم خویش کنند،



در حیات اجتماعی، اخلاق یک رکن است. رفتارهای اجتماعی باید بر اساس اخلاق بنا شوند. حقوق فقط حد و مرزها را مشخص می‌کند تا به حریم خصوصی کسی تجاوز نشود. بنابراین، جامعه‌ای آرمانی مد نظر اسلام، جامعه‌ای اخلاق-محور است

آنان برداشته شود و حدود شرعی به دست فراموشی سپرده شود.

بنابراین هر رابطه‌ای که در حدود موازین شرعی باشد و در نگاه عرف عقلا و متشرعین نیز پسندیده و مقبول باشد، از دیدگاه اسلام ممنوعیتی ندارد. چنان که در سیره حضرت زهرا سلام‌الله علیها مشاهده می‌کنیم که ایشان با سلمان، ابوذر و سایر اصحاب سخن می‌گفتند.

همچنین ایشان پس از رحلت رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله برای دفاع از خلافت امام علی علیه‌السلام به همراه امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام به خانه مهاجران و انصار می‌رفتند و با آنان به احتجاج می‌پرداختند. خطبه غزای حضرت فاطمه زهرا در مسجدالنبی و

احتجاجات ایشان با ابوبکر و عمر و یا خطبه حضرت زینب سلام‌الله علیها در کوفه و شام چه در جمع عموم مردم یا مجلس یزید و ابن زیاد همه شواهدی بر جواز گفت‌وگو است.

بنابراین ارتباط زن و مرد به شرط رعایت حریم‌ها بلامانع است. از مجموع آیات و روایات وارده درباره حریم روابط زن و مرد این نکات را می‌توان استخراج کرد:

۱) التزام و تعهد زن و مرد نسبت به فرو گرفتن چشم: (نور: ۳۰ و ۳۱)

۲) التزام و تعهد زن به رعایت حدود شرعی در پوشش: زنان در مواجهه با نامحرم باید جز صورت و کف دست‌ها، تمام اندام خود را بپوشانند: (احزاب: ۵۹)؛ (نور: ۳۱).

۳) در سخن گفتن باید به گونه‌ای برخورد کنند که موجب تحریک و تهییج نباشد: (احزاب: ۳۲).

۴) در تعاملات اجتماعی نباید به خودنمایی کردن و تبرج پرداخت: (احزاب: ۳۳)؛ (قصص: ۲۵)؛ (نور: ۳۱).

۵) زن و مرد نامحرم در صورتی که محرمی با آنها نباشد، باید از خلوت اجتناب ورزند: (یوسف: ۲۳).

در چگونگی و حدود و ثغور روابط زن و مرد باید سعی کرد تا به حد نیازی که کار مشترک آنان ایجاد می‌کند، کفایت شود نه بیست از اندازه. به تعبیر شهید مطهری «اسلام می‌گوید: نه حبس نه اختلاط، بلکه حریم»^۱.

بنابراین اگر بر روابط دانشجویان و همچنین فضای محیط دانشگاهی اصل «معروف» حاکم باشد و حریم عفاف و حیا رعایت شود، لزومی بر تفکیک جنسیتی بین دانشجویان نیست.

ب) بعد باطنی

دانشگاه در جامعه اسلامی هنگامی می‌تواند کارکردی مثبت داشته باشد که در تحقق اهداف دین گام بردارد.

بالاترین هدفی که اسلام برای انسان مسلمان به تصویر می‌کشد، رسیدن به قرب الهی است. نبی اکرم (ص) نقطه نهایی و غایت علم را دستیابی به شناخت و معرفت حقیقی عالم می‌داند؛ علمی که قرار است در

دانشگاه اسلامی عرضه شود باید در راستای تعالی طلبی حرکت کند و اصالت را به رشد معنوی انسان که حقیقتاً خلأ آن در جهان معاصر مشاهده می‌شود بدهد. در حالی که،

علوم وارداتی سکولار، توسعه‌طلب هستند و این توسعه‌طلبی که در چارچوب عقلانیت مدرن صورتی صرفاً دنیوی دارد، با اسلامیت نظام

ما و اهداف بلند تمدنی‌ای که به دنبال آن هستیم، ناسازگار است.

بنابراین حفظ ظواهر برای تحقق دانشگاه اسلامی به تنهایی کافی نیست. چیزی که برای دانشگاه اسلامی در درجه اول مهم است،

بعد باطنی و محتوایی آن است که حاکمیت بینش و منش اسلامی بر افراد آن دانشگاه است. در

بعد محتوایی دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن تقویت و باروری دانش با به کارگیری نگرش اسلامی درباره محتوای آن همراه است. بنابراین «در دانشگاه اسلامی علاوه بر التزام به ظواهر اسلامی، در باطن آن نیز بینش و منش اسلامی

بر افراد آن حاکم است و نگرش به قضایا یک نگرش الهی است». عنصر محوری دانشگاه، علم است. اگر علم اسلامی شد، دانشگاه هم اسلامی می

شود. آیت‌الله جوادی املی در نقد این تلقی می‌فرمایند: اسلامی کردن دانشگاه‌ها به آن نیست که مظاهر و

برنامه‌های اسلامی و دینی به محیط و فضای دانشگاه‌ها وارد کنیم...

اسلامی کردن علوم در گرو تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت و تدوین متون درسی سرآمد و صاعد و هم‌لنگ دیدن حوزه‌های معرفتی و بازگشت طبیعیات به دامن الهیات

است.^۲

ج) کارکرد

معیار نظری این است که دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که مرجعیت دین را خصوصاً در حوزه دانش به رسمیت بشناسد. معیار

عملی این است که کارکرد علم و فرهنگ دینی را در تولیدات دانشگاه ببینیم. اما معیار عملی برای تحقق

دانشگاه اسلامی چیست؟ کارکرد علم را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد:

۱. تاثیرگذاری علم بر عالم (کارکرد معنوی)

غفلت زدگی و تجاوزگری از ویژگی‌های بارز علوم سکولار است. انسان با این علوم در گام



۲. تأثیرگذاری علم بر عالم (کارکرد مادی)

کارکرد مادی علم عبارت است از: شناخت طبیعت و به تسخیر در آوردن عالم هستی در راستای رفاه اجتماعی. همچون علمی که به ذوالقرنین داده شد و کارهای شگرفی از جمله سد سازی و ... را انجام داد (کهف: ۸۳-۹۸) و یا تولید علم و آموزش صنعت توسط پیامبران الهی مثل داوود (ع) بنیانگذار صنعت زره سازی (انبیاء: ۸۰)، آموزش صنعت کشتی سازی به نوح (هود: ۳۷)، علم ذوب و تکنولوژی مس توسط حضرت سلیمان (سبا: ۱۲) را نام برد. در تحقق دانشگاه اسلامی باید این کارکرد علم را در کنار کارکرد معنوی آن، در قالب خروجی های دانشگاه مشاهده کرد.

اما علوم جدید حقیقت جو نیستند و فرضشان بر آن نیست که به دنبال حقیقت اشیاء بروند. دانشمندان آنها هم ادعا نمی کنند که ما به دنبال شناخت حقیقت هستیم. بلکه آنچه علوم جدید را در راه خود به پیش می برد، عزم بر تسلط طبیعت است و اصولاً بحث از علت فاعلی و غایی را امر غیر علمی قلمداد می کنند.

بنابراین، اگر کار علمی در پرتو جهان بینی الهی انجام شود، نتیجه اش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی بشر خواهد بود. ولی اگر در پرتو جهان بینی سکولار انجام شود، تضمینی بر مخرب نبودن آن نخواهد بود. تاریخ نیز این مطلب را نشان داده است که نظام های ارزشی روی جهت گیری های علوم تأثیر می گذارند.

پی نوشت ها

۱. صحیفه نور، مجموعه آثار، ۱۹/۵۵۱
۲. جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۳۳۶
۳. مظاهری سیف، معرفت، ۸۷

نخست، آیت بودن و نشانگری علم را به فراموشی سپرد و بعد به مصداق آیه «سواله فأنساهم أنفسهم» (حشر: ۱۹)، خویش را فراموش کرد و پس از آن، به طبیعت و جوامع انسانی روی آورد و با غفلت از حقیقت و حقوق آنها، تجاوزگری را پیشه خویش ساخت. اما قرآن با دعوت انسان به علم به معنای شناخت آیهای که خداشناسی و تدبیر در آیات الهی است، خودشناسی عرفانی و عالم شناسی ملکوتی را به انسان می آموزد و راه شکوفایی و بهبود بهره برداری از امکانات وجود خود، طبیعت و جامعه را به انسان می نمایاند.^۳

بنابراین التزام اعضای مختلف دانشگاه به شئون اسلامی برای اسلامی شدن دانشگاه کافی نخواهد بود، بلکه هم ساختار دانشگاه و هم کارکرد دانشگاه باید جهت گیری اسلامی داشته باشد. روشن است که تحصیل این علم متوقف بر پایبندی به اصل «آیه نگری» می باشد. باید عالم را به عنوان نشانه ها و آثار او دانست و در جستجوی آن بود.

مهم ترین ارتباطی که دین با علوم انسانی دارد در مسائل اخلاقی و به خصوص مبانی و مبادی اخلاق است. دین مکتب انسان ساز است و آمده است انسان را انسان بالفعل کند و او را به کمالات انسانی برساند. لذا علم اخلاق بیگانه از دین نیست. بر همین اساس، علم دینی علمی تعالی طلب است؛ درست برخلاف علم جدید که جز توسعه به چیزی نمی اندیشد و نزاع علم دینی با علم سکولار، نزاع تقدم تعالی طلبی بر توسعه طلبی است. علم جدید می خواهد انسان را موجودی توسعه طلب بار بیاورد، حال آنکه علم دینی می خواهد او به سمت تعالی حرکت کند؛ چراکه فلسفه آفرینش نیز همین است.

